



نماد گرای طبیعی در شعر محمود درویش: مطالعه موردی

علی دوستی

کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، مدرس در دانشگاه باختر ایلام

چکیده

این مقاله یک مطالعه ی موردی است که به بررسی نمادگرایی عناصر طبیعی در یکی از آثار محمود درویش، شاعر عرب، می پردازد. نماد یکی از ابزارهای هنجار گریزی و آشنا زدایی در شعر بوده است. شاعر با ابزار نمادگرایی معنایی را که برای خواننده تکراری و آشنا است بیگانه می کند و از این رو موجب گسترش معنا در شعر می شود. نمادگرایی بخاطر ایجاد پیچیدگی و دوری از صراحت به یکی از پرکاربردترین ابزار در شعر تبدیل شده است. شاعران زیادی از نماد برای بیان کردن نظرات، افکار و اندیشه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنری خود استفاده کرده اند. پژوهش موردی حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی صورت گرفته، به مقوله ی نماد پردازی در کتاب شعر "چشمان ذاتاً مشکى" از محمود درویش می پردازد و چنین نتیجه می دهد که محمود درویش در خلق اشعار خود از نماد برای ایجاد چند معنایی، ابهام و عمق بخشی استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: محمود درویش، نماد، شعر عربی، نماد گرایی طبیعی

مقدمه

نمادگرایی^۱ یکی از آرایه‌های ادبی است، بشر از ابتدای شکل‌گیری تمدن‌ها و آغاز شاعری گرایش به این داشته است که سخنش را در قالب نماد به زبان آورد و دنیای پیرامون خود را با تجسم مفاهیمی عمیق تر نشان دهد (رحمانیان و عدل پرور، ۱۳۹۸). نماد پردازی در اواخر قرن نوزدهم بر مبنای نظریات شارل بودلر^۲ شاعر و نویسنده‌ی فرانسوی بنا نهاده شد. و افرادی چون پل ورلن^۳، استفان مالارمه^۴، ژان نیکلا آرتور رمبو^۵، ژول لافروگ^۶ به بسط و گسترش آن پرداختند (Britanica, 2024) فرهنگ دهخدا نماد را چنین تعریف می‌کند: "به معنی فاعل هم آمده است که ظاهر کننده باشد". نماد برابر واژه‌ی فرنگی سمبل^۷ است که از کلمه‌ی سمبولون^۸ یونانی به معنی علامت، نشانه و اثر گرفته شده است. نماد مفهوم بسیار وسیعی دارد، آن چنان که می‌توان از آن برای توصیف هر شیوه‌ای بیانی که به جای اشاره مستقیم به موضوعی، آن را غیر مستقیم و به واسطه‌ی موضوع دیگری بیان می‌کند، استفاده کرد. نماد در قلمرو شعر از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. یک کلمه یا یک شکل وقتی نمادین تلقی می‌گردد که به چیزی بیش از معنای آشکار و مستقیم خود دلالت کند. در حقیقت نمادگرایی عبارت است از بیان غیر مستقیم موضوع، یعنی نویسنده یا شاعر بجای بیان مستقیم مفهوم با استفاده از نماد، موضوعی را که در ذهن دارد به طور غیر مستقیم بیان می‌کند (رحمانیان و عدل پرور، ۱۳۹۸). نماد گرایی یک ابزار دانش و قدیمی ترین و اساسی ترین روش بیان است. روشی است که جنبه‌های واقعیت را که از دیگر روش‌های بیان دور است، آشکار می‌سازد (کوپر، ۱۳۹۲).

محمود درویش

محمود درویش در سال ۱۹۴۱ در روستای البروه شهر عکا در یک خانواده سنی مذهب در فلسطین متولد شد. اشغالگران دهکده را اشغال کردند و درویش در ۶ سالگی به همراه خانواده‌ی خود به لبنان پناهنده شد. بعد از مقاومت فراوان اهالی، دهکده از دست اشغالگران خارج شد و هنگامی که اهالی به روستا برگشتند، خرابه‌ای بیش نبود. وی سرودن شعر را از ۱۲ سالگی آغاز کرد. تجربه چاپ شعر نخست در ۱۴ سالگی برایش اتفاق افتاد. در همان ۱۴ سالگی به خاطر شرکت در مبارزات مردم فلسطین در حیفا به زندان افتاد، و از آن پس مرتب گرفتار پلیس بود و بصورت هفتگی خود را به پلیس معرفی می‌کرد. در سال ۱۹۶۰ برای ادامه تحصیل به مسکو رفت و نخستین مجموعه خود را تحت عنوان "گنجشک‌های بی بال" منتشر کرد. او با مجموعه‌ی دومش تحت عنوان "برگ‌های زیتون" جای خود را در شعر فلسین و جهان عرب باز کرد. وی ریاست اتحادیه نویسندگان فلسطینی را بر عهده داشت. او همچنین فصل نامه‌ی ادبی و مدرن جهان عرب به نام "الکرمل" را بنیان گذاری کرد. در ساختار اشعار وی دو موضوع دیده می‌شود، عشق و سیاست. بسیاری از شعرهای درویش به شکل سروده‌های عمومی و آوازهای محبوب درآمد. اغلب آثارش در مورد سرنوشت وطنش است. او بیش از سی مجموعه‌ی شعر دارد و برنده جوایز ادبی متعددی بوده است. او سرانجام در سال ۲۰۰۸ در آمریکا درگذشت (درویش، ۱۴۰۰).

نماد

نمادها برگرفته از سه منبع اصلی هستند: طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری، دین و مذهب. هر قومی برای بیان ایده‌ها و نگرش‌های اساطیری خویش، نماد‌های ویژه‌ای دارند که برخاسته از تجربه‌های آیینی، تاریخی و سنتی آن قوم است و در نزد همه‌ی افراد آن قوم مفهوم مشترکی دارد (فتوحی، ۱۳۸۶). بررسی نمادهای شعری یک شاعر ما را کمک می‌کند تا هر چی بیشتر با شخصیت و تفکرات وی آشنا شویم. به عنوان مثال، شاعری که اعتقادات مذهبی دارد، سعی در استفاده از نمادهای دینی دارد و شاعر ملی گرا بیشتر از اساطیر و نمادهای ملی بهره می‌جوید و شاعران اجتماعی بیشتر از طبیعت الهام می‌گیرند (رحمانیان و عدل پرور، ۱۳۹۸).

¹ Symbolism

² Charles Pierre Baudelaire

³ Paul-Marie Verlaine

⁴ Stéphane Mallarmé

⁵ Jean Nicolas Arthur Rimbaud

⁶ Jules Laforgue

⁷ Symbol

⁸ Symbolon

نمادهای طبیعی برگرفته از طبیعت هستند. آنها از محتویات ناخودآگاه روان سرچشمه می‌گیرند و همین نکته مهمترین تفاوت نماد است با بعضی از ترفندهای ادبی همچون استعاره، مجاز و کنایه، زیرا اینها، زادگان خودآگاهی هستند (کزازی، ۱۳۷۶). شاعر پدیده‌های طبیعی را بکار می‌گیرد تا به مفهوم نامحسوسی که در ذهن دارد تجسم ببخشد و آنرا قابل درک سازد. سمبل‌های شخصی حاصل وضع و ابتکار شاعران و نویسندگان بزرگ است و معمولاً در ادبیات قبل از آنان مسبوق به سابقه نیست. این نوع نمادها ارزش هنری بیشتری نسبت به نوع قراردادی دارند و می‌توان آنها را انعکاسی از روح، شخصیت و ویژگی‌های درونی شاعر دانست (رحمانیان و عدل‌پور، ۱۳۹۸). نگاه عاطفی درویش به پدیده‌ها، مخصوصاً پدیده‌ای جنگ، اشغال و مقاومت او را به نماد سازی کشانده است. مظاهر صلح، آرامش، میهن، مقاومت، سرسختی در برابر ظالم و... به صورت نمادی در شعر وی عیان هستند و بصورت سمبل درآمده و بار عاطفی و معنایی آنها در شعر وی تجلی پیدا می‌کنند. وی از ظرفیت‌های مختلف واژه، عنصر یا یک شیء استفاده کرده آنها را در نوعی کاربرد تازه و منحصر بفرد خود بکار می‌گیرد. وی با این کار محیطی را خلق می‌کند تا مفاهیم و معانی جدیدی خلق شوند. گویی خواننده در آنجاست در همان مکانی که وی توصیفش می‌کند و با وی همزاد پنداری می‌کند. وی با نماد سازی درد و رنج و همزمان امید مردمان سرزمینش را به آزادی و آمدن روز بازگشت، در کلماتش فریاد می‌کشد، گویی درویش بدنیا آمده است تا نماینده یک ملت ستمدیده در شعرش باشد و این کار را با نماد سازی درست، بهنگام و استفاده از عناصر واژگانی ریشه دار در فرهنگ فلسطینی، به زیبایی انجام می‌دهد. درویش بی شک شاعر درد، رنج و امید است.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش تحلیل-توصیفی بوده است که بصورت مطالعه‌ی موردی و کتابخانه انجام شده است. محقق برای انجام پژوهش یک کتاب شعر از آثار محمود درویش را که دارای وزن سنتی شعر عربی نبوده است و به فارسی ترجمه و چاپ شده است را مورد بررسی قرار داده است. کتاب مورد مطالعه شامل مجموعه ۳۲ عنوان شعر بوده است. که تحت عنوان "چشم‌های ذاتاً مشکى" در قطع رقعی چاپ شده است. اشعار عنوان نداشته، بلکه با شماره مشخص شده اند. تعداد صفحات کتاب مورد مطالعه ۶۰، صفحه بوده، و محقق چاپ چهارم کتاب را در اختیار داشته است. محقق ابتدا مطالعات مشابه انجام شده در ادبیات فارسی را مورد بررسی قرار داده است و سعی کرده است با بررسی متون اشعار و تحلیل متون آنها نماد پردازی طبیعی بکار رفته در اشعار محمود درویش را مشخص نماید. لذا محقق صرفاً عناصر طبیعی را که در نماد سازی استفاده شده اند را مورد بررسی قرار داده است و سایر عناصر نمادین را مورد بررسی قرار نداده است، مگر مواردی اندکی که به فراخور قرارگیری در بیت مورد تحلیل، محقق واژه نمادین آنجا را هم مورد بررسی قرار داده است. لازم به ذکر است که محقق مفاهیم نماد شناسی را از نظر محققین و اهل فن مورد بررسی قرار داده است، در جای که تفسیر نماد مربوط به محقق یا پژوهشگر مشخصی بوده منابع ذکر شده است، ولی در جای تفسیر و توضیح نماد متعلق به افراد یا منابع مختلف ایرانی و خارجی بوده و تنوع منابع بیش از حد تصور بوده است محقق بدون ذکر منبع، تفسیر حداکثری را نگاشته است.

یافته‌ها

محمود درویش در این اثر از نمادهای طبیعی و اشیاء مختلف استفاده کرده است، که پژوهشگر نماد پردازی طبیعی را در نظر گرفته است. بطور مثال شاعر در یکی از شعرهایش واژه‌ی امروزی "رادیو" استفاده کرده است. که محقق از منظر نماد شناسی آنرا نادیده گرفته است، و به بررسی واژه‌های الهام گرفته از طبیعت همچون "باران" پرداخته است. و گاهی برخی از واژه‌ها به فراخور مجاورت با عنصر طبیعی مورد مطالعه، مورد تحلیل قرار گرفته اند، مانند واژه‌ی "چشم". جدول ۱. کل واژه‌های مورد مطالعه در کل کتاب شعر درویش رو نشان می‌دهد. یافته‌های این تحقیق مطالعه موردی و کتابخانه‌ای به شرح ذیل آمده است:

- **زیتون:** نماد صلح و پیروزی است. این نماد سازی هم در یونان باستان و هم در فرهنگ عربی-مدیترانه‌ای بسیار متداول بوده است. و امروزه به حدی جهانی شده است که نماد شاخه‌ی زیتون در سازمان ملل به نماد صلح تبدیل شده است.

- **خاک:** نماد سردی و تجدید حیات است؛ مردگان به زیر خاک می‌روند تا تجدید حیات کرده و به صورتی نو ظاهر شوند، به تعبیری زمین، مادر هستی و خاک بستری برای باروری و حیات بشر است (مطیع شیرازی و سایرین، ۱۴۰۰).

"مثل گذشته است؟" که فرزندانش // خاک // او زیتون را دوست می‌داشت // (درویش، ۱۴۰۰: ۱۱)،

شاعر به خواننده یادآوری می‌کند که در زمان قبل از اشغال زاد و ولد، زندگی و صلح در آنجا برقرار بوده است.

-گل های زنبق: زنبق، عنیه یا آیریس الهه رنگین کمان و پیام رسان زئوس و هرا بود و بسیاری معتقدند که گل به نام او نامگذاری شده است. او پیام‌هایی را از آسمان به زمین بر روی قوس رنگین کمان می‌برد و در راه بهشت همراهی برای روح زنان بود. تا به امروز، یونانیان گل زنبق بنفش را بر قبر زنان می‌کارند تا زنبق آنها را به محل استراحت خود در بهشت راهنمایی کند. از جانب دیگر زنبق نماد قدرت سیاسی است.

-زمین: نماد ثروت، آسایش و مادر است.

-اברה: تقریباً در تمام ادیان و مذاهب، درباره ابر، صفات و معانی آن مطالبی آمده است. در بیان تاریخ از پیامبران پیشین، عذاب خداوند از ابرها بر قومهای گمراه باریده است (سلیمی مویید، ۱۴۰۰). ابرها می‌تواند نماد انتقام و عذاب باشند. شاعر آرزو دارد بر سر اشغالگران عذابی الهی وارد شود. وی در ادامه زمین تشنه را به خواننده معرفی می‌کند. زمینی که مادر است و ابر که نماد عذاب است، گویی انتقام مادر از غاصبان را فریاد می‌کشد.

"//همچنان پابرجا است//گل های زنبق//در شمعدانی ها//و عزایی که به ارث بردیم//زمینی که تشنه است//و ابرهای خسیس//" (درویش، ۱۴۰۰: ۱۳).

-بهار: نمادی از آغاز، دگرگونی، تغییر و آفرینش است.

-باران: جزو نمادهایی است که بیشتر در ادبیات استفاده می‌شود با این وجود نماد باران و مفهوم آن در تمامی فرهنگ‌ها تقریباً مشترک است. باران نماد رحمت و روشنی و صمیمیت است. باران نوید آزادی و عشق را می‌دهد.

//بهار//پدربزرگ//باران را ببین که بر میراث تو می‌بارد// (درویش، ۱۴۰۰: ۱۳).

-گل: در طول تاریخ بشر اهمیت بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته است. گل تجلی زیبایی است و در باور تأویلی عارفان و صوفیان، مظهر خداشناسی و توحید است؛ همچنین نمادی از معارف باطنی اهل معرفت و حقایق مکشوف روحانی آنان است (مالمیر، ۱۳۹۶).

-سایه: نماد شک و عدم اطمینان است، هرچند شاعر در متن شعر برای اشاره به زن و مرد آنها را استفاده کرده است. گویی شاعر دوری را عیان می‌کند نماد شک و عدم اطمینان به وصال را بازتاب می‌دهد.

//هر یک به صورت دیگری //می‌پاشد// گل ها را//سایه از سایه فاصله می‌گیرد// (درویش، ۱۴۰۰: ۱۴).

-عسل: نماد عشق و محبت است.

//اطعم عسل می‌دهد//لب‌هایت// (درویش، ۱۴۰۰: ۱۶).

-سنگ: نماد بی‌احساسی و نبود اشتیاق و عاطفه است. در جایی که شاعر سنگ را در آب انداخته نشان از ایجاد محبت و عشق بوده است. **//پیش از این ها//به اینجا آمده بودیم//سنگ در آب می‌انداختیم//** (درویش، ۱۴۰۰: ۱۶).

-شن: نشان دهنده ی گذشت زمان است و هم می‌تواند نمادی برای عشق، زیبایی و خطر باشد.

-ماهی: نماد کامیابی، تولد مجدد، اقبال، نشاط و باروری است.

-موج: نماد قدرت، حرکت و نیرو می‌باشد.

//مسیر شن ها را می‌رفتیم//ماهیان آبی رنگ//موج می‌ساختند//و ما دوتا موج می‌گرفتیم// (درویش، ۱۴۰۰: ۲۴).

-مگس: نماد مرگ و میر است.

-خوشه انگور: نماد قدرت و الوهیت به زندگی و سلامتی، میهمان نوازی، ایثار، جشن و خوشگذرانی است.

-طوفان: نماد مصیبت و ترس و بیماری است.

//تا زمانی که عسل در ظرف هایما است//مگسان را دور کنیم//در باغ هایمان//خوشه های انگور پیدا است// (درویش، ۱۴۰۰: ۲۶)

-هیزم: می‌تواند نماد جنبه های زیبای زندگی، رفاه و آسایش و همچنین می‌تواند نمادی برای وسوسه های زندگی باشد.

-شعله: نمادی از عشق سوزان و هم می تواند نماد تنفر باشد.

//تا زمانی که شعله ای هست //هیزمی در اجاق //و قهوه (درویش، ۱۴۰۰: ۲۷)

-خار: نمادی است برای درد و رنج و فقدان.

//خاری همچنان دلم را نیش می زند // (درویش، ۱۴۰۰: ۲۸)

-آفتاب: گاهی مظهر شهر آرمانی است (رحمانیان و عدل پرور، ۱۳۹۸)

//امن //آفتاب غربت زده را //سنگلاخ عشق را //به دوش می کشم // (درویش، ۱۴۰۰: ۲۹)

شاعر عیان میکند که شهر و کاشانه ی خود را با وجود تمام مشکلات رها نخواهد کرد، گویی شهرش را بر دوش خود می گیرد و رنج را تحمل می کند ولی حاضر نیست از آن دست بر دارد.

-خون: نمادی از روح و نیروی حیات بوده است.

-صحرا: نمادی از جنگ بیگانگی و انزوای انسانی است. شاعر بیان می دارد که او شاعری است عرب که روح جنگاوری در وی موجود است.

//شاعر عرب //این گونه است: //خون صحرا در سروده هایش جاری است // (درویش، ۱۴۰۰: ۳۰)

-مریخ: نماد خدای خون و جنگ است.

//مریخ به زمین می افتد // خون های ما // (درویش، ۱۴۰۰: ۳۲)

-شب: نماد درنوردیدن افق های مکان و زمان، نماد تاریخ گذشته و آینده است. همچنین شب اغلب حکایت از تاریکی، مرگ یا اندوه دارد.

//و شب را //برای آخرین وصیت هایمان //شاهد بگیریم // (درویش، ۱۴۰۰: ۳۳)

-درختان: نماد کل جهان هستند، و همچنین می توانند نماد زندگی، دوستی، صلح و بالندگی باشند.

-باران: اهمیت نمادین عمیقی در بین فرهنگ ها دارد که نشان دهنده زندگی، تجدید و ارتباطات معنوی است.

//رها مکن //درخت ها //مرا بخوبی می شناسند //باران //با همه ترانه هایش // (درویش، ۱۴۰۰: ۳۵)

شاعر عیان می کند که همه افراد جهان (درختان) وی را می شناسند و باران که نماد حیات است هم گویی او را می شناسد. مردمان و زندگی در دنیا او را می شناسند (درویش، ۱۴۰۰: ۳۵).

-گنجشک (پرنده): بارزترین نمادی که برای پرنده در منابع مختلف مشاهده می شود، روح و جاودانگی آن است، که در بیشتر موارد نشانه ی گریز روح از جسم و میل به تعالی آن است، اما گنجشک را نماد وفاداری دانسته اند. در انجیل قدیم از گنجشک به عنوان سمبل تجرد و انزوا یاد شده است، در حالیکه در انجیل عهد جدید نشانه ی حقارت و کوچکی است، یونانیان آن را مقدس می دانستند. همچنین آن را نماد باروری دانسته اند، این پرنده با آفرودیت، الههء عشق مرتبط بوده و مقدس است (کریمی و سیدی، ۱۳۹۶)

-گندم: نشان دهنده فراوانی، رزق و روزی، باروری و چرخه زندگی است.

-سنگ قبر: نمادی است از مرگ و فنا در اشعار و آثار ادبی اسلامی به کار می رود. شاعران اسلامی از این نماد برای بیان احساسات مربوط به موضوعاتی همچون نیستی، مرگ، عبور از دنیای مادی، و تفکر درباره دنیای پس از مرگ، و دیدار با آخرت استفاده می کنند.

//گنجشک های که در سالن فرودگاه پناه گرفته اند //همه گندم ها //سنگ قبرها //مرزها //دستمالهای که از گریه پر است //با من هستند // (درویش، ۱۴۰۰: ۳۶)

-گل قرمز: نماد شور، اشتیاق، علاقه، عشق و محبت است.

//باران می بارید //لب هایت //گلی قرمز بود // (درویش، ۱۴۰۰: ۳۷)

-چشم مشک: نماد زیبایی، خرد است.

-گل (شاخه ی گل): در شعر، اغلب به عنوان نمادی از وضعیت انسان است. آنها نمایانگر گذرا بودن زندگی، زیبایی زودگذر جوانی و اجتناب ناپذیر بودن مرگ هستند.

//به تماشایت نشستم//ای چشمهای ذاتاً مشکی!!یادت می‌آید//در باران نخست//پالتوی ابریشمی//و شاخه گل‌ی در دست داشتم// (درویش، ۱۴۰۰: ۳۷)

-**انجیر:** نماد قدرت، زندگی، زادوولد، جاودانگی و فهم برتر است. از طرف دیگر، درخت انجیر در شعر بیانگر ایده یا مفهومی فراتر از خودش است. این ایده امید، امکان و رویا را نشان می‌دهد. درخت انجیر نماد امید است زیرا درختی است که میوه می‌دهد. درخت انجیر نماد امکان است زیرا درختی است که می‌تواند در مکان‌های مختلف رشد کند.

//روی پل پا برهنه‌ها//به انجیری فکر می‌کردیم//که جهان را در خود فرو برده بود// (درویش، ۱۴۰۰: ۳۸)

-**یاسمن:** گل یاس در بسیاری از فرهنگ‌ها نمادی از پاکی و بی‌گناهی است. گلبرگ‌های سفید بکر آن اغلب به عنوان نماینده‌ای از خلوص و سادگی هستند.

//لب‌هایی که اکنون//یاسمن می‌کارد//بر روی مزارم// (درویش، ۱۴۰۰: ۳۸)

-**ماه:** نماد بیگانگی، تنهایی، و عشق نافرجام است.

//ماه باش//آن ماه//که معشوق در رویای خود می‌بیند//چنین گفت زنی بر روی جسد پسرش// (درویش، ۱۴۰۰: ۳۹)

-**دریا:** نماد رهایی و آزادی است. از طرف دیگر دریا می‌تواند امید و زندگی بیاورد، اما می‌تواند ترس و ویرانی را هم ایجاد کند.

//شب زنده دارم//در انتظار نامه‌ای از شمال//من همانم که دریا مرا خواند// (درویش، ۱۴۰۰: ۴۰)

-**صخره در دریا:** نماد عشق و اشتیاق خیره‌کننده و خطرناک است که ارزش دنبال کردن را دارد.

//بر موج‌ها و صخره‌ها//می‌تازم// (درویش، ۱۴۰۰: ۴۱)

-**کبوتر:** نماد صلح، عشق، لطافت و ارادت به عزیزان تداعی می‌شود. به طور نمادین برای انتقال معانی عمیق‌تر فراتر از نمایش تحت اللفظی آن استفاده می‌شود.

-**ستاره:** در ادبیات کلاسیک، ستاره‌ها اغلب به عنوان موجودات نمادینی عمل می‌کنند که عاقبت، سرنوشت و وسعت جهان را نشان می‌دهند.

-**آسمان:** نماد مرد، ملکوت و پدر شناخته شده است (گرگانی نژاد و میرشفیعی، ۱۴۰۱)

-**آفتاب:** دارای مفاهیم نمادین فراوانی است، از جمله نماد الهویت، نور وحدانیت است. گاهی نماد روز یا جوانی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سرزندگی، شادی و نیروی حیات را نشان می‌دهد.

//پیشانی تو وطن من است//مرا//چون کبوتری مهاجر//یا ماه ماتم زده//مرا مکن//مرا مثل ستاره‌های درمانده در آسمان//سرگشته در غم‌ها//تنها نگذار//زندانی ام کن//در دستان//که پیوسته از آن آفتاب می‌ریزد//عادت کن بسوزانی ام// (درویش، ۱۴۰۰: ۴۲)

-**گرگ:** نماد درندگی، خشونت و وحشیگری است. گرگ اغلب به عنوان موجودی حیله‌گر و خیانتکار با گرسنگی سیری ناپذیر برای گوشت معرفی شده است.

//خستگی‌ها بر دوشش بود//به دنبال پاره نانی//برای شبش//به جنگ گرگ‌ها می‌رفت// (درویش، ۱۴۰۰: ۴۲)

-**شن:** نماد سیال بودن زمان و گذشت آن است.

-**شکوفه:** نماد آغاز، امید، زیبایی، تازگی، حیات است.

//لب‌هایم//بر شن‌ها و شکوفه‌ها//تا همیشه خون‌آلود می‌ماند// (درویش، ۱۴۰۰: ۴۲)

با وجو خون و دردی که شاعر بیان می‌کند، امیدش را از دست نمی‌دهد. حتی با گذشت زمان که همچون شن سیال می‌گذرد.

در جدول ۱. کل کلمات و اصطلاحاتی مورد مطالعه آمده است. محقق سعی کرده است عناصر طبیعی را از نظر نماد سازی مورد مطالعه قرار دهد، ولی در مواردی عناصر غیر طبیعی هم به خاطر همجواری با عنصر مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. عناصر مورد مطالعه در شعر محمود درویش

شماره	واژه های مورد مطالعه برای نماد شناسی						
۱-۸	زمین	ابرها	بهار	باران	گل	سایه	عسل
۹-۱۶	شن	ماهی	موج	مگس	خوشه انگور	طوفان	هیزم
۱۷-۲۴	خار	آفتاب	شب	مریخ	خون	درختان	باران
۲۵-۳۲	گندم	سنگ قبر	گل	انجیر	گل قرمز	یاسمن	ماه
۳۳-۴۰	صخره (در دریا)	کبوتر	صحرا	ستاره	آسمان	آفتاب	گرگ
۴۱-۴۵	شکوفه	زیتون	خاک	گل زنبق	صحرا		

محدودیت های مطالعه

این مطالعه تنها بر روی نماد سازی طبیعی تمرکز داشته است و سایر نماد سازی های و عناصر غیر طبیعی را بطور کامل پوشش نداده است. در بین آثار محمود درویش، تنها یک کتاب وی مورد بررسی و تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته شده است. اشعار مورد مطالعه ترجمه از اشعار عربی هستند و خود اشعار عربی بصورت مستقیم بررسی نشده اند. به خاطر ماهیت توصیفی-تحلیل این مطالعه و عینی نبون مسائل پژوهش های توصیفی احتمال خطا وجود داشته است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های این تحقیق مبین این است که شعر نو محمود درویش از نمادسازی بسیار بهره برده است و این شاعر عناصر طبیعی و غیر طبیعی را برای نمادسازی مفاهیم سیاسی و اجتماعی خود، بخصوص عشق به وطن، درد و رنج مردمان آواره، مبارزه میهن پرستانه، مقاومت و... بکار برده است. علاوه بر آن نمادسازی وی چند معنایی و هرمنوتیک را بسط و گسترش داده است. همچنین با تحلیل مضامین اشعار نمادسازی شده می توان استدلال کرد که اگر چه وی روایتگر دردهای مردم و سرزمین خود است، با این وجود مسیر مقاومت را در اشعارش را در قالب نمادهای متعدد و متنوع ترسیم می کند و این مفاهیم را در نماد سازی اشعار خود به شیوه های مختلف متجلی کرده است. همچنین، یافته های این تحقیق هم راستا با یافته ی محققان دیگری است که در خصوص نمادپردازی در شعر معاصر فارسی تحقیق کرده اند، آنها به صراحت بیان داشتند که: "نماد یکی از صور خیال است و از تصویرهای پویای شمرده می شود که باعث گسترده گی و سیال بودن معنا و معنا سازی مفاهیم در شعر میگردد" (رحمانیان و عدل پرور، ۱۳۹۸). همچنین یافته های این تحقیق هم راستا با یافته های پژوهشگرانی بوده است که در خصوص نشانه شناسی یکی از قصیده های محمود درویش را بررسی کرده اند. آنها دریافتند که در شعر نو کار بست نمادها از جایگاه ویژه ای برخوردار است، و درویش بخوبی از نمادگرایی در دو سطح: محدود (به طوری که نوعی استعاره ی محدود به شمار رفته و رمز بکاررفته جزئی است) و عمیق (از شاعری بیشتری برخوردار است، هنرمند نماد را محور یک قصیده قرار می دهد) به خوبی بهره برده است (نظری و ایوکی، ۱۳۹۸).

منابع

۱. رحمانیان، زینب و عدل پرور، لیلا، نماد گرایی در شعر فروغ فرخزاد، فصلنامه‌ی نقدتحلیل و زیبایی شناسی متون، دوره سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۳۲-۱۱۳
https://www.qparsir.ir/issue_22233_22241.html
۲. درویش، محمود، چشم‌های ذاتاً مشک‌ی، ترجمه‌ی سجادی، قاسم، ۱۴۰۰، تهران؛ چاپ چهارم، انتشارات فصل پنجم
۳. کزازی، جلال‌الدین، رویا، حماسه و اسطوره، ۱۳۹۳، تهران، نشر مرکز
۴. کوپر، جی سی، فرهنگ مصورنمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات فرشاد
۵. فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، ۱۴۰۱، تهران، انتشارات سخن
۶. مطیع شیرازی، لیلا و سایرین، مام خاک در اساطیر و باور ملل و جایگاه آن در شواهدی از آثار سنایی غزنوی، نشریه: ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی (زبان و ادبیات فارسی) دوره ۱۷، شماره ۶۵، ص ۳۰۵-۲۸۱، <https://www.sid.ir/paper>
۷. نظری، راضیه و نجفی ایوکی، علی، نشانه‌شناسی سروده «قصیده الأرض» محمود درویش با تکیه بر نظریه نشانه‌شناسی گریماس، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، بهار ۱۳۹۸، ص ۷۷-۹۸
<https://ensani.ir/file/download/article/1649217737-10537-98-178.pdf>
۸. گرگانی نژاد، محبوبه، میرشفیعی، سید محمد، مطالعه نماد آسمان در قرآن، اساطیر، ادبیات، عرفان و هنر ایران، جستار فرهنگ و هنر اسلامی، دوراول، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۱
9. Encyclopedia of Britanica, 2024, <https://www.britannica.com/art/Symbolism-literary-and-artistic-movement>

Natural Symbolism in Mahmoud Darwish's Poetry: a Case Study

Ali Dousti⁹, MA in Teaching English

The Instructor at Bakhtar University of Ilam

Abstract

This research investigates the function of Natural Symbolism in Mahmoud Darwish's Poetry and his approach to the symbols as a case study. Symbol is one of the methods of deviation and de-familiarization in poetry. He was an Arabic poet. Symbolism has become one of the most used tools in poetry due to creating complexity and avoiding clarity. Many poets have used symbols to express their social, economic, political, and artistic opinions. The current case study carried out in an analytical-descriptive method, deals with the symbolism in the poetry book "Black Eyes by Nature" by Mahmoud Darwish. And it shows that Mahmoud Darwish has used symbols to create multiple meanings, ambiguity, and depth in his poems.

1-1- Keywords: Mahmoud Darwish, Symbol, Arabic Poetry, Natural Symbolism

⁹ Corresponding Author